

بازگشت پر قدرت خریداران

به بورس تهران

روز شنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۴، بورس تهران با موجی از تقاضا همراه شد؛ هرچند بازگشت کمتر از ۳۹۰ هزار واحدی از کف بازاری که از سقف تاریخی خود در اردیبهشت سال جاری نزدیک به ۲۷ درصد، معادل بیش از ۸۷۴ هزار واحد افت کرد، نشان می‌دهد که شاخص کل حتی نیمی از مسیر لازم برای بازگشت به سطوح ۵ ماه پیش را نپیموده است. بسیاری از سهام نیز نه‌تنها ۱۶ درصدی اخیر را تجربه نکرده‌اند، بلکه با فاصله بیش از ۵۰ درصدی از قیمت‌های بهاری خود و فاصله بسیار بیشتر از سقف‌های تاریخی، در محدوده‌ای کهرقم معامله می‌شوند.

اکثر فعالان بازار یادآور شده‌اند اگر در همین روزهای اخیر دامنه نوسان و حجم مینا حذف و نمادهای متوقف بازگشایی می‌شدند، بخش بزرگی از زبان فعالان و سهامدارانی که از رشد سایر بازارها جا مانده‌اند، در همین مدت کوتاه جبران می‌شد. با این حال وجود این محدودیت‌ها ذی‌نفعان بسیاری دارد، زیرا نبود آنها مانع آن می‌شود که فروشندگان در سقف قیمتی دوباره با رشد سریع بازار همراه شوند.

روز گذشته شاخص کل بورس تهران معاملات را به‌پذیرفته شدن پیشنهاد صلح ایالات متحده توسط حماس، امید به کاهش تنش‌ها در غرب آسیا را در میان فعالان تقویت کرده و موجی از ورود خریداران به بازار را شکل داده است.

از سطح ۲٬۷۸۱٬۷۸۹٫۵۲ واحد آغاز کرد و با افزایش ۵۳٬۳۰۳٬۷۰ واحد، معادل رشد ۱٫۹۵ درصد، به همین سطح تثبیت‌شده رسید و در چند قدمی شاخص ۲٬۸ میلیونی قرار گرفت. بیشترین مقدار روزانه شاخص کل ۲٬۷۸۱٬۰۲۸٫۷۷ واحد و کمترین آن ۲٬۵۹۱٬۸۵۹٫۸۵۹ واحد ثبت شد.

شاخص قیمت وزنی - ارزشی نیز با رشد ۹٬۴۸۵٬۴۸ واحد به سطح ۲۴٬۴۹۵ واحد رسید که معادل افزایش ۱٫۹۵ درصد بود. شاخص هم‌وزن نیز روز گذشته ۹٬۶۲۷٬۷۱۲٫۴۰ واحد افزایش یافت و در رقم ۸۱۲٬۷۱۲٬۴۰ واحد ایستاد، معادل رشد ۱٬۲۰ درصد. شاخص آزاد شناور با ثبت افزایش ۷۰٬۹۲۶٬۰۳ واحد، سطح ۳٬۵۲۸٬۸۷۶٫۹۷ واحد را المسی کرد که رشد ۲۰٫۵ درصد را به همراه داشت.

همچنین شاخص بازار اول با افزایش ۴۸٬۲۵۰٬۰۷ واحد به رقم ۲٬۱۸۰٬۹۴۳٫۹۹ واحد رسید و رشد ۲٫۲۶ درصدی را ثبت کرد. شاخص بازار دوم نیز ۷۹٬۴۶۰٫۹۳ واحد افزایش یافت و در سطح ۵٬۱۵۶٬۸۲۶٫۴۹ واحد قرار گرفت، معادل رشد ۱٫۵۶ درصد.

■ ■ ■

افزایش بهای نفت برنت

بهای نفت برنت پس از افت سنگین هفتگی، روز گذشته با ۰٫۶۶ درصد رشد به ۶۴ دلار و ۵۳ سنت رسید، قیمت هر بشکه نفت برنت دریای شمال دیروز با ۴۲ سنت معادل ۰٫۶۶ درصد افزایش به ۶۴ دلار و ۵۳ سنت رسید. نفت وست تگزاس اینترمیت آمریکا هم با ۴۰ سنت معادل ۰٫۶۶ درصد افزایش ۶۰ دلار و ۸۸ سنت معامله شد.

نفت برنت ۸٫۱ درصد طی یک هفته گذشته کاهش قیمت داشت که بیشترین کاهش هفتگی طی ۳ ماه گذشته بوده است. قیمت نفت آمریکا هم ۷٫۴ درصد در هفته گذشته پایین آمد. بازار جهانی نفت طی هفته گذشته با فشار سنگین ناشی از گمانه‌زنی درباره افزایش عرضه از سوی ائتلاف اوپک‌پلاس مواجه شد. کاهش ۸٫۱ درصدی قیمت نفت برنت و افت ۷٫۴ درصدی نفت آمریکا در این بازه، بزرگ‌ترین افت هفتگی در ۳ ماه اخیر را رقم زد. در گذشته نیز تصمیمات اوپک‌پلاس - بویژه رشد میان رویکرد افزایشی عربستان و احتیاط روسیه - نقش تعیین‌کننده‌ای در مسیر قیمت‌ها داشته است.

همزمان، بازگشت صادرات نفت از خط لوله عراق - کردستان به ترکیه پس از بیش از ۲ سال توقف، بخشی از عرضه متوقف‌شده را به بازار برمی‌گرداند و فشار مضاعفی بر قیمت‌ها وارد می‌کند. شرایط فصلی مانند کاهش تقاضا در پاییز و فصل تعمیرات پالایشگاهی، مشابه سال‌های قبیل، در کنار تحولات ژئوپلیتیک - از جنگ غزه تا موضع‌گیری‌های آمریکا - فضای معامله‌گران را محتاط کرده است. تجربه بازار نشان می‌دهد ترکیب افزایش عرضه و کاهش مصرف معمولاً مسیر نزولی قیمت‌ها را تثبیت می‌کند، مگر آنکه رویدادی غیرمنتظره عرضه جهانی را مختل کند.

■ ■ ■

تحقق ۸۴۰۰ میلیارد تومانی

واگذاری دارایی‌های دولت

طبق داده‌های منتشرشده از سوی سازمان خصوصی سازی، طی نیمه نخست امسال بیش از ۸ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان واگذاری دارایی‌های دولت‌اجرایی‌شده است. داده‌های منتشره از سوی سازمان خصوصی‌سازی نشان می‌دهد در نیمه نخست امسال (تا پایان شهریور ۱۴۰۴) ۸ هزار و ۴۸۸ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان مجموع عملکرد این سازمان در واگذاری دارایی‌های دولتی بوده است. از این رقم ۸۴۸۳ میلیارد تومان عملکرد در راستای وا‌رزه به حساب درآمد عمومی، ۸۰ میلیارد تومان تکلیف در راستای ردیف درآمدی موضوع واگذاری سهام از طریق مزایده عمومی جهت تسویه بدهی دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۵۰ میلیارد تومان تکلیف در راستای ردیف درآمدی موضوع واگذاری سهام متعلق به وزارت جهاد کشاورزی و همچنین سایر ردیف درآمدهای عمومی‌بوده‌است.مجموع تکلیف‌امسال سازمان خصوصی در قانون بودجه، ۲۱۵ هزار و ۱۵۰ میلیارد تومان بوده که از این رقم، عملکرد ۶ ماهه امسال ۴۸۸۰٫۱ میلیارد تومان بوده که معادل ۳٫۹ در صد تکالیف تعیین شده درباره واگذاری دارایی‌های دولت است. مجموع واگذاری‌های انجام‌شده از سال ۱۳۸۰ تا ۳۱ شهریور ۱۴۰۴ بر اساس قانون سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، ۸۴۵ هزار و ۸۷ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان (۸۴۵ همت) بوده است.

«وطن امروز» از دلایل سکوت سیاست‌گذار پولی در قبال بانک‌های زیان‌ده گزارش می‌دهد

تورم زیر پوست بانک‌های ناتراز

واگذاری بانک‌های دولتی می‌تواند مدیریت مالی و کنترل تورم در شرایط تحریم را با چالش روبه‌رو کند

هشدار داده‌اند واگذاری کامل سهام بانکی در شرایطی که کشور با تهدیدات اقتصادی و فشارهای تورمی مواجه است، می‌تواند به تضعیف کنترل دولت بر نظام مالی منجر شود. در شرایط جنگی معمولاً دولت‌ها به دنبال تقویت نظارت و مالکیت بر نهادهای کلیدی هستند تا بتوانند سیاست‌های پولی و اعتباری را با انسجام بیشتری اجرا کنند. در این میان، تجربه نظارت بانک مرکزی بر بانک‌های خصوصی‌شده مانند بانک آینده که با چالش‌های جدی در شفافیت، کفایت سرمایه و مدیریت ریسک مواجه بوده، نشان می‌دهد خصوصی‌سازی بدون تقویت نهادهای نظارتی، می‌تواند به تضعیف سلامت مالی کشور منجر شود. واگذاری کامل سهام دولت در بانک‌های بزرگ، به معنای خروج دولت از مالکیت مستقیم در بخش قابل‌توجهی از نظام بانکی است. این اقدام، اگرچه می‌تواند در بلندمدت به کاهش بار مالی دولت کمک کند اما در کوتاه‌مدت خطراتی جدی به همراه دارد؛ کاهش قدرت دولت در سیاست‌گذاری پولی و اعتباری، افزایش تمرکز مالکیت در دست نهادهای خاص یا شبه‌دولتی، تضعیف نظارت بر عملکرد بانک‌ها در حوزه‌های حساس مانند تسهیلات تکلیفی، حمایت از تولید و کنترل نقدینگی و افزایش ریسک‌های سیستمی در صورت بروز مشکلات بانکی.

خصوصی‌سازی بانک‌ها اگرچه در چارچوب اصلاحات ساختاری قابل دفاع است اما در شرایط فعلی اقتصاد ایران، نیازمند پیش‌شرط‌هایی حیاتی از جمله تقویت نظارت بانک مرکزی، ارتقای شفافیت مالی، اصلاح ساختار ترازنامه‌ای بانک‌ها و جلوگیری از تمرکز مالکیت در دست نهادهای غیرپاسخگو است، در غیر این صورت واگذاری سهام بانکی نه‌تنها به بهبود کارایی منجر نخواهد شد، بلکه می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی، افزایش ریسک‌های مالی و کاهش توان دولت در مدیریت مشکلات اقتصادی منجر شود.

در شرایطی که نظام بانکی ایران با چالش‌های ساختاری محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی، در مقاطع مختلف وعده داده بود در صورت تداوم ناترازی و تخلفات، مجوز برخی بانک‌ها لغو خواهد شد اما تاکنون هیچ اقدام عملی در این زمینه انجام نشده و بانک‌های مسالهدار همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند. این تعلل، نه‌تنها اعتماد عمومی را تضعیف کرده، بلکه پیام خطرناکی به سایر بانک‌ها رسال کرده است: تخلف و ناترازی هزینه‌ای ندارد. در چنین شرایطی واگذاری مالکیت بانک‌ها بدون اصلاح ساختار مالی، شفاف‌سازی ترازنامه‌ها و تقویت نظارت، می‌تواند به افزایش تورم منجر شود. مسیر اصلاح بانکی، از واگذاری بی‌محاسبه نمی‌گذرد، بلکه از طراحی دقیق، نظارت مؤثر و پاسخگویی نهادهای مالک جدید آغاز می‌شود. بانک‌هایی که با ناترازی مواجهند، باید ابتدا تحت اصلاحات ساختاری قرار گیرند، سپس در صورت احراز سلامت مالی وارد فرآیند



تکن‌خری کردن دلار چگونه می‌تواند به اقتصاد کمک کند؟

معیشت، محور اصلاح نرخ ارز



ساختار ارزی است اما جهت‌گیری این اصلاح، تعیین‌کننده پیامدهای آن است. در شرایطی که نرخ دلار توافقی به محدوده ۹۰ تا ۱۰۰ هزار تومان نزدیک شده و عملاً با نرخ بازار آزاد فاصله‌ای ندارد، حرکت به سمت آزادسازی کامل، به معنای تثبیت نرخ بالا و حذف هرگونه مداخله حمایتی است. در مقابل، برخی اقتصاددانان معتقدند تکنرخی‌سازی باید با هدف کاهش نرخ توافقی و نزدیک‌سازی آن به نرخ ترجیحی انجام شود. این مسیر اگر با سیاست‌های حمایتی، کنترل تورم و تقویت تولید همراه شود، می‌تواند به تثبیت بازار ارز، کاهش هزینه‌های تولید و حفظ قدرت خرید منجر شود.

کارشناسان هشدار می‌دهند آزادسازی نرخ ارز در شرایط فعلی، هزینه تولید را به‌شدت افزایش خواهد داد، واردات مواد اولیه با نرخ آزاد، قیمت تمام‌شده کالاهای داخلی را بالا می‌برد و صادرات را به نفع معودود صادرکنندگان خاص تغییر می‌دهد. در نتیجه، موج جدیدی از تورم وارداتی به کشور تحمیل می‌شود که نه‌تنها هدف مهار تورم را ناکام می‌گارد، بلکه با حذف ابزارهای کنترلی، زمینه جهش نرخ ارز و ضربه به معیشت عمومی را فراهم می‌کند.

تکنرخی‌سازی ارز، اگرچه در ذات خود یک اصلاح ساختاری است اما در شرایط فعلی اقتصاد ایران، باید با جهت‌گیری معکوس انجام شود. به جای نزدیک‌سازی نرخ توافقی به بازار آزاد، باید

گروه اقتصادی: در شرایطی که اقتصاد ایران با تورم، نوسانات ارزی و تحریم‌های بین‌المللی مواجه است، تصمیم‌گیری درباره مالکیت و ساختار نظام بانکی، به یکی از حساس‌ترین نقاط سیاست‌گذاری اقتصادی تبدیل شده است. سیداحسان خاندوزی، وزیر اقتصاد دولت سیزدهم اخیراً در یادداشتی در صفحه شخصی‌اش نوشت: «در حالی که بسیاری از کشورها در شرایط تحریم به سمت تقویت کنترل دولتی بر نهادهای مالی حرکت می‌کنند، دولت ایران در اقدامی بحث‌برانگیز، تصمیم به واگذاری کامل باقیمانده سهام خود در ۳ بانک بزرگ ملت، صادرات و تجارت گرفته است. این ۳ بانک، مجموعاً ۳۰ درصد دارایی‌های شبکه بانکی کشور را در اختیار دارند و واگذاری کامل آنها، به معنای تغییر توازن مالکیت در نظام مالی کشور خواهد بود.»

در این باره مساله نخست این است که واگذاری شرکت‌های دولتی عمدتاً منجر به ایجاد شرکت‌های خصولتی شده و این موضوع اقتصاد را با چالش مواجه می‌کند. از طرف دیگر بانک‌ها به دلیل اینکه در رشد پایه پولی و نقدینگی اقتصاد نقش دارند عمدتاً اگر از عملکرد مطلوب در شرایط تحریمی برخوردار نباشند، می‌توانند به تورم اقتصادی بیشتر دامن بزنند. از این رو سیاست واگذاری بنگاه‌های بزرگ دولتی باید تنها در شرایط ثبات اقتصادی انجام شود تا دولت همواره بتواند در شرایطی که بنگاهی انحراف عملیاتی پیدا کرد نقش نظارتی خود را ایفا کند.

گفتنی است بر اساس مصوبه اخیر هیأت واگذاری، مقرر شده است باقیمانده سهام دولت در ۳ بانک بزرگ ملت، صادرات و تجارت، با قیمت پایه معادل قیمت پایانی روز قبل از عرضه در بورس، به اضافه ۱۰۰ درصد، به صورت نقد و اقساط واگذار شود. ۵۰ درصد مبلغ باید تقدا پرداخت شود و مابقی تا پایان سال جاری تسویه شود. این تصمیم، در ظاهر با هدف کاهش تصدی‌گری دولت و تقویت بخش خصوصی اتخاذ شده اما در عمل، پرسش‌های جدی درباره زمان‌بندی، نظارت و تبعات آن برای ساختار بانکی کشور مطرح کرده است. منتقدان این تصمیم، از جمله برخی چهره‌های اقتصادی،

گروه اقتصادی: در اقتصادهای درگیر با تورم، سیاست ارزی نه‌تنها ابزار تنظیم بازار، بلکه سپر دفاعی معیشت مردم است. ایران امروز در نقطه‌ای ایستاده که هر تصمیم درباره نرخ ارز، مستقیماً بر سفره خوار، هزینه تولید و مسیر صادرات اثر می‌گذارد. به طور قطع تورم بر تولید و قدرت خرید تأثیرگذار است. سیاست‌های اقتصادی ایران باید در وضعیتی اجرایی شود که نقطه تعادل بین معیشت و تولید ایجاد کند. این روزها پیشنهاد آزادسازی کامل نرخ ارز و حذف ارز ترجیحی بار دیگر به صدر مباحث سیاست‌گذاری اقتصادی بازگشته است. از سوی دیگر هرچند ادعا شده این طرح‌ها با هدف «تقویت پول ملی» و «افزایش بنیه ارزی» است اما این طرح‌ها نه‌تنها در جهت اصلاح اقتصاد نیستند، بلکه می‌تواند به تورم بیشتر منجر شود. در این گزارش، ضمن بررسی ابعاد این پیشنهاد، به این پرسش‌ها پاسخ داده خواهد شد که آیا تکنرخی‌سازی ارز باید به سمت نرخ بازار آزاد حرکت کند یا مسیر معکوس، یعنی کاهش نرخ توافقی، راهکار منطقی‌تری است؟ تکنرخی‌سازی باید به کدام سمت هدایت شود و چگونه؟ آیا باید نرخ توافقی به بازار آزاد نزدیک شود و تورم را تثبیت کند یا باید با تثبیت نرخ نیما و کاهش نرخ‌های غیررسمی، تعادل میان تولید، واردات و معیشت عمومی برقرار شود؟ پاسخ به این پرسش‌ها، مسیر آینده اقتصاد ایران را تعیین خواهد کرد.

در نامه‌ای رسمی به ریاست جمهوری، پیشنهاد حذف کامل ارز ترجیحی و جایگزینی مکانیسم عرضه و تقاضا برای تعیین نرخ ارز مطرح شده است. این طرح، در ظاهر با هدف تقویت پول ملی ارائه شده اما در عمل می‌تواند به حذف آخرین ابزارهای کنترلی دولت در بازار ارز منجر شود. سازمان برنامه و بودجه در پاسخ کارشناسی خود، صراحتاً اعلام کرده اجرای چنین طرحی در شرایط فعلی، تبعات سنگین تورمی و معیشتی خواهد داشت و زمان‌بندی آن به هیچ‌وجه مناسب نیست.

بر اساس این ارزیابی، آزادسازی نرخ ارز بدون زیرساخت‌های نظارتی و حمایتی، منجر به جهش قیمت کالاهای اساسی و افزایش هزینه اقشار کم‌درآمد و حتی انحراف تولیدکنندگان از مسیر صادرات خواهد شد. در واقع، حذف ارز ترجیحی در غیاب سیاست‌های جبرانی، به معنای انتقال مستقیم بار تورم به سفره مردم است.

در ادبیات اقتصادی، تکنرخی‌سازی ارز یکی از اصول اصلاح